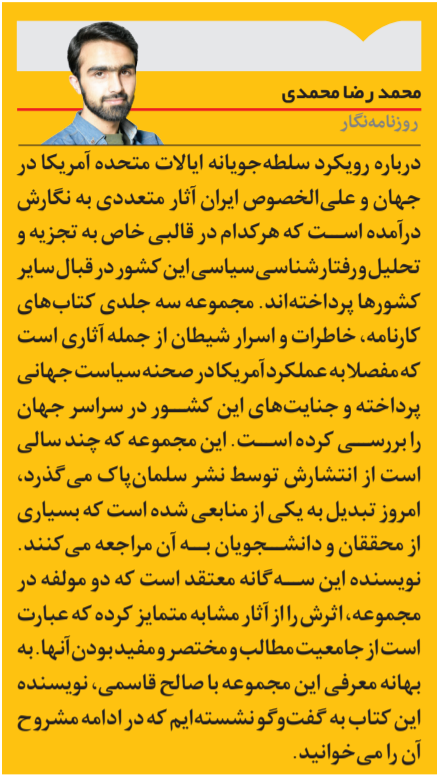


صالح قاسمی، نویسنده کتاب‌های «کارنامه»، «خاطرات» و «اسرار شیطان» درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

نفوذ آمریکا قبل از انقلاب مرحله به مرحله بود



محمد رضا محمدی

روزنامه‌نگار

درباره رویکرد سلطه‌جویانه ایالات متحده آمریکا در جهان و علی‌الخصوص ایران آثار متعددی به نگارش درآمده است که هرکدام در قالبی خاص به تجزیه و تحلیل و رفتارشناسی سیاسی این کشور در قبال سایر کشورها پرداخته‌اند. مجموعه سه جلدی کتاب‌های کارنامه، خاطرات و اسرار شیطان از جمله آثاری است که مفصلا به عملکرد آمریکا در صحنه سیاست جهانی پرداخته و جنایت‌های این کشور در سراسر جهان را بررسی کرده است. این مجموعه که چند سالی است از انتشارش توسط نشر سلمان پاک می‌گذرد، امروز تبدیل به یکی از منابعی شده است که بسیاری از محققان و دانشجویان به آن مراجعه می‌کنند. نویسنده این سه‌گانه معتقد است که دو مولفه در مجموعه، اثرش را از آثار مشابه متمایز کرده که عبارت است از جامعیت مطالب و مختصر و مفید بودن آنها. به بهانه معرفی این مجموعه با صالح قاسمی، نویسنده این کتاب به گفت‌وگو نشستیم‌ایم که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

شما در این مجموعه سه جلدی با یک تقسیم‌بندی جدید و نوآورانه، در ابتدا به جنایت‌های ایالات متحده آمریکا به ترتیب در ایران و جهان پرداخته‌اید و در جلد سوم هم حقایق و ناگفته‌هایی قابل تامل را درمورد آمریکا بیان کرده‌اید. درمورد کم و کیف این طبقه‌بندی توضیح دهید.

سال ۹۰ بود که تحقیقات منسجمی را درمورد رویکرد آمریکا در کشورهای مختلف و همچنین ایران شروع کردم، اما زمانی تصمیم گرفتم این مجموعه را به صورت عملیاتی گردآوری و منتشر کنم که یک جریان سیاسی خاص در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ توانست با بیان مواضعی غرب‌گرایانه و شعار مذاکره با آمریکا اقبال افکار عمومی را به سمت خودش جلب کند. در آن مقطع زمانی به این نتیجه رسیدم که گویا حقیقت و ماهیت کشور ایالات متحده آمریکا از لحاظله تاریخی مردم حذف شده است. بر همین مبنا به فکر این مجموعه افتادم و کار نگارش آن را شروع کردم.

درمورد این طبقه‌بندی مطالبی که فرمودید، خود هم خیلی تامل کردم. تصور ما این بود که اگر بخواهیم همه مطالبی را که به دست آمده بود در یک مجلد منتشر کنیم، بسیار حجیم می‌شود که خودش موجب کاهش مخاطب خواهد بود. به همین جهت تصمیم بر این شد که کار با تقسیم‌بندی مناسبی منتشر شود تا قابل استفاده‌تر باشد. برای مثال شاید کسی فقط

علاقه داشته باشد قسمتی را که مربوط به ایران است مطالعه کند یا دیگری بخواهد دخالت‌های آمریکا در سایر کشورهای جهان را مورد مطالعه قرار دهد. از این حیث این طبقه‌بندی مطالب، کمک کرد مطالبی که گردآوری شده بود منسجم‌تر ارائه شوند. با وجود همه این موارد، این کتاب همچنان مروری است مختصر از حوادثی که آمریکا در جهان رقم زده است و اگر می‌خواستیم به تفصیل به هریک از این حوادث تاریخی، چه در ایران و چه در کشورهای مختلف جهان بپردازیم، باید دایره‌المعارفی قطور ارائه می‌کردیم. در اولین جلد این مجموعه سه جلدی به جنایت‌های ایالات متحده آمریکا در ایران پرداخته‌ایم که خودش شامل دو فصل می‌گزارست.

جنایت‌های آمریکا در ایران قبل از انقلاب و جنایت‌های آمریکا در ایران بعد از انقلاب.

در جلد دوم سعی کردیم به این سوال پاسخ دهیم که آیا این رویکرد مداخله‌جویانه آمریکا صرفا درمورد ایران است یا اینکه در تاریخ معاصر جهان شامل حال سایر کشورها نیز می‌شود. روشن است؛ اگر بخواهم خیلی خلاصه و در یک جمله پاسخ بدهم باید بگویم که شاید در دنیا کشوری نداشته باشیم که آمریکایی‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در امور آن دخالت یا دست‌اندازی نکرده باشند. جالب‌تر اینکه حتی کشورهای دوست و هم‌پیمان آمریکا هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند و در مقاطع مختلف اسیر درگیری‌هایی شده‌اند که پشت‌پرده آنها آمریکا بوده است.

عنوان جلد سوم این مجموعه، اسرار شیطان است. در این مجلد ما به ناگفته‌هایی پرداخته‌ایم که در طول دهه‌های اخیر، رسانه‌ها کمتر به آنها پرداخته‌اند. حقیقت این است که ایالات متحده آمریکا با استفاده از امپراتوری رسانه‌ای خود در جهان، توانسته است این‌طور به مردم دنیا القا کند که مردمش در حال زندگی کردن در بهترین

شرایط ممکن هستند و حتی جزئی‌ترین دغدغه‌ها نیز از پیش برای آنها حل شده است.

درحالی‌که اگر کمی با دقت بیشتری به شرایط زندگی مردم آمریکا نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که مردم آن از مناظر مختلف دچار مشکلات عدیده‌ای هستند که هرکدام از آنها می‌تواند شیرازه،روابط اجتماعی را دچار به هم ریختگی کند. به عبارت دیگر حتی اگر این مساله را قبول کنیم که در دهه‌های گذشته آمریکا قدرتی بالمنزاع در جهان بوده است، باید این را هم بپذیریم که ستون‌های این امپراتوری فروریخته و اگر همچنان آمریکا توانسته است جایگاه خودش را حفظ کند دلیلی غیر از تبلیغات گسترده رسانه‌ای خود در کشورهای جهان ندارد. ما در جلد سوم سعی کرده‌ایم با کسانی که همچنان با نگاهی کاریکاتوری به کشور ایالات متحده آمریکا نگاه می‌کنند و تصویری فراتر از واقعیت درمورد این کشور دارند، صحبت کنیم.

پس از انقلاب اسلامی آثار بسیاری درمورد آمریکا و رویکردهایش با کشورهای مختلف، از جمله ایران منتشر شده است. آثار شما هم در نگاه اول تفاوت چندانی با آثار مشابهی که کم هم نیستند، ندارند.

به نظر خودتان وجه تمایز این مجموعه سه جلدی چیست؟

نکته‌ای که به آن اشاره کردید درست است. خوشبختانه آثار بسیاری درمورد سیاست‌های آمریکا وجود دارد و چه بسا من هم در فرآیند پژوهش و نگارش این مجموعه سه جلدی بارها به آنها مراجعه کرده باشم، اما نکته‌ای که درمورد این آثار وجود داشت این بود که یک‌سری اشکالات همواره موجب می‌شد مخاطبان امروزی حوزوی و دانشگاهی نتوانند از آنها استفاده کافی و وافی ببرند. یکی از نکاتی که در اکثر آثار مشابهی که به آمریکا پرداخته‌اند وجود داشت این بود که حجم مطالب‌شان بسیار زیاد بود و به همین دلیل برای مخاطبان عادی قابل استفاده نبودند؛ به‌طوری‌که اکثر آنها

مجموعه‌هایی حجیم و گسترده شده بودند که فقط به درد متخصصان و پژوهشگران تاریخی می‌خوردند یا اینکه اگر هم محتوای مورد نظر در حجم قابل‌قبولی ارائه شده بود، تنها به گوشه‌ای از وقایع اختصاص پیدا کرده بود و نمی‌توانست اطلاعات و داده‌های کامل و جامعی درمورد آمریکا در اختیار مخاطب قرار دهد. سعی من در این مجموعه سه جلدی اولاً این بوده که چیزی از قلم نینتد، یعنی هیچ مساله‌ای باقی‌نماند که اگر چه خیلی مختصر هم باشد، اما به آن نپرداخته باشم. ثانیاً به دنبال این بودم که سطح مطالب کتاب به حدی باشد که نیازمندی مخاطب عادی را رفع کند و اگر هم کسی نیاز به اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری داشته باشد، منابع کاملی برای تحقیقات بیشتر به او معرفی کند. لذا حالا هم که چند سالی از انتشار این مجموعه سه جلدی می‌گذرد، من هنوز در حوزه نشر اثر مشابهی را ندیده‌ام که توانسته باشد این دو ملاحظه را به صورت موازی در نظر داشته باشد.

با توجه به گستردگی مطالب موجود در این مجموعه و درعین حال طبقه‌بندی منسجمی که در آن وجود

سیاست



دارد، مدت زمانی که برای پژوهش قبل از نگارش این مجموعه صرف کردید، چقدر بود؟

کار تحقیقات، پژوهش و جمع‌آوری مطالب این مجموعه نزدیک به دو سال طول کشید و مراحل ویرایش، صفحه‌آرایی و انتشار هم حدود چهار یا پنج ماهی زمان برد.

در پاسخ به سوال اول شما به یک تقسیم‌بندی جالبی در جلد اول کتاب که مربوط به جنایات آمریکا در ایران است، اشاره کردید. آن هم تقسیم‌بندی جنایت‌های آمریکا به قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ بود. وجه تمایز رویکرد جنایتکارانه آمریکا درمورد ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی چه تمایزهایی با هم دارد؟

پیش از آغاز به پژوهش، من درمورد این تقسیم‌بندی فکر نکرده بودم و برنامه‌ای متفاوت برای فصل‌بندی جلد اول این مجموعه داشتم، اما هرچه برنامه پژوهشی‌ام درمورد رویکرد آمریکا در قبال ایران در تاریخ معاصر جلوتر می‌رفت ویژگی‌های خاصی درمورد رفتارشناسی آمریکایی‌ها در مقابل کشور ایران برابم روشن می‌شد. درزهنایت این مساله تا حدی برابم موضوعیت پیدا کرد که به ارائه این تقسیم‌بندی اشاره شده منجر شد.

در آن مقطع که مشغول نگارش این کتاب بودم، اکثر رسانه‌های داخلی و خارجی مشغول القای این مفهوم به جامعه بودند که با گفت‌وگو و مذاکره با طرف آمریکایی می‌توان تا حدود بسیاری وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشید. این مفهوم واقعا برای من گنگ و بی‌معنی بود. از این رو سعی کردم با این تقسیم‌بندی و با استناد به تاریخ قبل از انقلاب این مساله را با مخاطبانم در میان بگذارم که حتی اگر ایران از همه مواضعش هم کوتاه بیاید، غربی‌ها و علی‌الخصوص آمریکایی‌ها برای مردم ایران قدم از قدم برنخواهند داشت.

یکی از مهم‌ترین تمایزات رفتاری آمریکایی‌ها قبل و بعد از انقلاب اسلامی با مردم و مسئولان ایران این بوده که پیش از انقلاب اسلامی با یک دید فوق‌العاده تحقیرآمیز به ایرانیان نگاه می‌کردند. این نگاه تحقیرآمیز هم مختص یک موضوع خاص یا یک سری افراد خاص نمی‌شد. از نضر اول مملکت، یعنی شاه ایران تا تمام مردم عادی کشور شامل این مساله بودند و به نوعی شاید بتوان گفت آمریکایی‌هایی که در ایران حضور داشتند، در حال اجرای یک پروژه تحقیر عمومی درمورد مردم کشورمان بودند.

این در حالی بود که بعد از انقلاب این فضا کاملا دگرگون شد و مداخلات آمریکایی‌ها که قبل از انقلاب برمیبنای تحقیر مردم و مسئولان ایرانی بود تبدیل به مداخلاتی شد که مبنای آنها استیصال و ناچاری آمریکا و هدف‌شان فقط کنترل نهضت پرشور اسلامی در ایران بود.

نکته مهم‌تری که درمورد مداخلات آمریکایی‌ها در ایران در مقطع قبل از انقلاب وجود داشت این بود که هر مرحله از این مداخلات موجب می‌شد که نفوذ آمریکایی‌ها در ایران افزایش پیدا کند. برای مثال وقتی ایالات متحده در تاسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور ایران یا همان ساواک ایفای نقش کرد به مرور شاهد این بودیم که نفوذ و جاسوسی آمریکایی‌ها در مراکز مهم تصمیم‌گیری ایران هم افزایش یافت. این نفوذ اطلاعاتی و امنیتی تا جایی گسترش پیدا کرد که دیگر حتی کوچک‌ترین روابط و گفت و شنوندهای شخص شاه ایران، محمدرضا پهلوی هم تحت کنترل آمریکایی‌ها قرار گرفته بود و دیگر هیچ سری از اسرار ایران باقی‌نمانده بود که آمریکایی‌ها از آن مطلع نباشند. بعد از انقلاب اما به مرور عکس این فرآیند حاکم شد. به این صورت که آمریکایی‌ها در طول

سال‌های بعد از انقلاب نفوذشان در ایران کمتر و کمتر شد. برای مثال آمریکایی‌ها که در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی به دنبال براندازی نظام تازه‌تاسیس جمهوری اسلامی در ایران بودند و حتی از اقدام نظامی هم برای این هدف‌شان فروگذار نکردند، امروز تلاش می‌کنند که بتوانند از نفوذ استراتژیک ایران در منطقه بکاهند. همین مساله نشان‌دهنده این است که نوع مداخلات آمریکا پیش از انقلاب و بعد از آن کاملا متفاوت شده است.

بسیاری از تحلیلگران معتقدند حافظه تاریخی مردم ما کوتاه است و همین مساله همواره موجب اشتباهات پرهزینه‌ای می‌شود. به نظر شما دلیل این ضعف در حافظه تاریخی چیست و آیا این مساله درمورد همه کشورها صدق می‌کند یا مختص جامعه ماست؟

این موضوع فقط برای ما ایرانی‌ها نیست و در تمام دنیا مردم به خاطر اشتغالات ذهنی و روانی‌ای که دارند، حافظه تاریخی‌شان کوتاه است. حتی در کشورهای صنعتی این وضعیت حادث‌تر هم هست. حافظه تاریخی همه ملت‌ها محدوداست و به سرعت و به‌زور پاک می‌شود. از این جهت حتی می‌توان گفت که اگر حافظه تاریخی مردم کشور ما از سایر کشورها شرایط بهتری نداشته باشد، قطعاً ضعیف‌تر نیست. اما اینکه چرا در کشور ما این اشتباهات سیاسی رخ می‌دهد هم مدنظر قرار داد که مردم ایران بیش از هر کشور دیگری تحت فشار پروپاگاندا ی رسانه‌ای در جهان قرار دارند و همواره رسانه‌های داخلی و خارجی خاصی در حال جابه‌جا کردن درست و غلط برای مردم ما هستند. از این جهت نباید این مسائل را درمورد ایران دور از انتظار دانست. با این اوصاف، متقدم که مردم ایران به مراتب شرایط بهتری نسبت به سایر کشورهای دنیا دارند. نکته اینجاست که وظیفه نخبگان حوزوی و دانشگاهی، مسئولان کشور و همه کسانی که محل رجوع مردم هستند این است که حافظه تاریخی مردم را دائماً بازگو و مرور کنند. این همان رویه‌ای است که مقام معظم رهبری دائماً در فرمایشات‌شان بیان کرده و می‌کنند.

به نظر شما راهکار عملیاتی خاصی هم برای توسعه حافظه تاریخی مردم وجود دارد؟

این که من عرض کردم در واقع یک راهبردد است. یک استراتژی است که باید همه نخبگان داشته باشند. هر کدام از اینها وقتی به سازمان خاصی می‌رسند راهکار مشخص عینی پیدا می‌کنند، مثلاً اینکه وزارت خارجه و دولت رویکرد معرفی واقعیت غرب را دنبال کنند و اگر به دنبال تهذیب غرب و آمریکا باشند این امر منتفی است، ولی اگر این راهبرد را نسبت به ایالات متحده در پیش بگیرند، نیروهای مسلح به نحوی، نهادهای حوزوی و دانشگاهی به نحوی، هر کدام باید با این موضوع روبه‌رو شوند.

اما به‌طور کلی درباره این مساله تامل دقیقی نکردم. کلیت این امر از نظر من آن است که کوتاهی‌بزرگی رخ می‌دهد تا جایی که حتی برخی مسئولان و نخبگان و

شخصیت‌های مرجع کشور اشرف درستی به جنایات آمریکا و مداخلات آمریکا در کشورهای جهان و ایران ندارند. از این جهت این نگاه کلی را عرض کردم و جزئی‌تر می‌باید روی این مساله فکر شود.

امروز در ایران با جریانی مواجه هستیم که با شعار توافق با غرب و آمریکا وارد شدند تا کشور را بر اساس روابطی که از این طریق فراهم می‌شود، اداره و وضعیت معیشتی مردم را اصلاح کنند. تجربه‌ای که برای این جریان رخ داد تجربه برجسام بود. با وجود این تجربه باز هم همین جریان دید واقعی و کارآمدی نسبت به ایالات متحده پیدا نکرده است. مجددا امتیاز عجیبی را از طریق دولت و مجلس به کشور تحمیل کرده‌اند. به نظر شما چرا این نتجارب آینه عبرت نمی‌شود؟

نکته اول اینکه فرمایش شما درست است. این دولت با مانیفست فکری‌ای که داشت و نزدیک به جریان اصلاح‌طلب و جریان کارگزاران و غرب‌باور بود روی کار آمد و شاید با همین شعارها توانست درصد آرای خود را به زحمت بیش از ۵۰ درصد دوره اول و ۵۰ درصد در دوره دوم برساند.

اگر آن زمان می‌خواستیم این را بگوییم باید به برخی شواهد استناد می‌کردیم که در بعضی کتاب‌ها مثل مجموعه سه جلدی وجود دارد در حالی که حافظه تاریخی بخش از جامعه آن مشکلات و جنایات را دیده بودند و بخش زیادی هم ندیده بودند. اما امروز ما با تجربه‌ای روبه‌رو هستیم که بعد از ۶ سال غرب با وجود اینکه ما تعهد بسیار بزرگی دادیم و تعهد هم باقی ماندیم، بر تعهد خود باقی نماند و به آن عمل نکرد و اثبات آن رویکرد رهبر انقلاب مبنی‌بر بدبینی نسبت به ایالات متحده بود و اینکه آنها به سر تعهد خود باقی نمی‌مانند.

به نظر من این نیز کار نخبگان است، ولی این بار باید آنان قدری صریح باشند، نه به این معنی که در کف جامعه و بدنه آن چالش‌هایی ایجاد شود، ولی به نظرم اگر نخبگان کشور دلسوزی نسبت به نظام و کشور دارند باید این بار صریح‌تر باشند و به مردم این را بگویند که مسئول اصلی این اتفاقات و فشارهای شدید اقتصادی و حتی این جایگاهی که امروز ما به مراتب می‌توانستیم در دنیا و منطقه بهتر از آن را داشته باشیم و نداریم، هیچ‌کسی جز خودشان نیستند و در واقع این رای و تفکر آنها در دوره دوم باعث شد این جریان همچنان مطالبات را این‌طور پیش ببرد که دوباره باید با غرب همراهی کنیم و امتیاز دهیم. به نظر من چه نهادها و چه شخصیت‌های حقیقی و حقوقی باید این را با مردم صریح مطرح کنند و به‌عنوان یک تجربه عینی و روشن دائماً برای آنها بازگو کنند. ضمن اینکه می‌دانم بین مردم کسانی هستند که تا پنج، ۶ سال پیش این حرف‌ها را از ما راحت نمی‌پذیرفتند،

اما امروز کاملاً به اینچا رسیده‌اند که تفکر موجود، تفکر همراهی و اعتماد به غرب و توافق و تعهد دادن به آن جواوگو نیست. لکن چرا دوباره این اتفاق درخصوص FATF رخ می‌دهد؟ اگر بخواهم خوش‌بین باشم شاید این آقایان باز هم فریب وعده‌های غلط و دروغ غربی‌ها را می‌خورند، ولی اگر بخواهم واقع‌بین باشم باید تعهدات بلندمدت و بسیار حساس و نگران‌کننده‌ای را در حوزه‌های مختلف به غرب بدهند تا اگر بعد از خودشان تفکری غیر از تفکر حاکم بر دولت فعلی روی کار آمد، نتواند نظام را به مسیر اصلی خود بازگرداند که «استقلال» به معنای واقعی کلمه بوده است. چطور می‌شود آدم عادی در کف جامعه ب فهمد که بعد از این همه خلف وعده نباید به آمریکا و غرب اعتماد کرد، ولی مثلاً یک دیپلمات کهنه‌کار و آدمی که ۵۰، ۶۰ سال در عالم سیاست زندگی می‌کند، هنوز این را نمی‌داند؟! من این مساله را نمی‌پذیرم.

اگر نکته‌ای باقی مانده بفرمایید.

نکته پایانی درخصوص کتاب است. مخاطبان و علاقه‌مندانی که کتاب سه جلدی را مطالعه کرده‌اند این مطالب را به نحوی با زبان امروز، با رسانه‌های امروز، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و... به صورت کلیدواژه‌ها و مطالب کوتاه منتقل کنند، شاید مردم کسانی که خیلی اهل مطالعه نیستند یا به این کتاب دسترسی ندارند هم استفاده کنند. نکته دوم خطاب به مردم عزیز است که اگر کسی موضوع تجربه‌شده را مکرر انجام دهد ندامت و پشیمانی برای او شایسته است. امیدوارم مردم به این موضوع التفات داشته باشند و ان‌شاءالله از این رویه آمریکا در کشورهای مختلف و از جمله کشورمان درس بگیرند و این نگاه خوش‌باور و غرب‌باور حاکم بر دولت فعلی را اصلاح کنند.